

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۱۵ جولای ۲۰۱۴

با درود و تهنیت به همکار مبارز ما جناب عزیز نعیمی!

مضمون پر محتوای شما را که عنوانی "دفاع از اشرف غنی و یا عبدالله دفاع از جاسوسی، دفاع از خیانت و دفاع از وطنفروشی می باشد" به تاریخ ۱۱ جولای ۲۰۱۴ در پورتال به نشر سپرده شده بود با علاقه مندی خاص و دقت از نظر گذشتاندم نه یک بار بلکه دو سه بار.

قبل از همه باید بگویم که رسالت مضمون شما در بازتاب از حوادث تاریخی و سیاسی و تجارب شخص خود شما از اوضاعی که حدود سی و پنج سال قبل آغاز و تا به امروز ادامه دارد، می باشد. به نظر من با وجودی که کوشش نموده اید تا جریانات و حوادث را فشرده بیان نمائید با آن هم قادر شده اید با بررسی و تحلیل همه جانبه، روشنگرانه و آموزنده تان به خصوص از اوضاع و شرایط کنونی کشور ما افغانستان که تحت اشغال است، مسؤلیت وجدانی و تاریخی خود را جهت گسترش افکار آزادیخواهانه برای همه افغانهای آزاد و نسل های آینده کشور اداء نمائید. شما توانسته اید جوانان را به اوضاع تاریخی پر ماجرای گذشته و حوادث خونبار فعلی که در کشور ما افغانستان جریان دارد، آشنا بسازید. اگر مبالغه تلقی نشود شرح زندگی پرماجرا و غم انگیز شما و فامیل محترم در اوج جنگهای تباہ کن و در کشوری که گشتارگاه بیگناهان بوده، ساعت ها مرا در بند اصالت خود نگهداشته، طوری که در بطن و متن جریانات و حوادث نا هنجاری که دامنگیر مردم و کشور افغانستان بوده و است، قرار گرفتم. به یقین نه تنها من بلکه اکثر خوانندگان هم در صحنه های پراز ماجرا، صحنه های تباہکن و غم انگیز فرو رفتند. از جنایات باند خلق و پرچم گرفته تا حاکمیت ارتجاع سیاه اعم از جهادی و طالبی با استبداد فرهنگی که شما خود یک گوشه ای از تجارب زندگی روزمره تان را با ادبیات بسیار زیبا تذکر داده اید.

جریانات و حوادثی که برای خلق ستمدیده و به اسارت کشیده و کشور ماتم زده ما جز دهشت و وحشت، چور و چپاول، جنایت و خیانت، جاسوسی و خودفروختگی ارمان دیگری با خود نداشته، یکی از محصولات آن، از حدود چهارده سال بدینسو تجاوز استعمار گران غربی به کشور ما افغانستان و حملات وحشیانه آنها در دیگر کشور های مورد نظر آنها بوده است.

طوری که ما شاهد اوضاع هستیم امپریالیستها کشور ها را مورد تهاجم و غارت قرار می دهند، اداره های مستعمراتی خود را به وجود می آورند و خائنان و حامیان و خودفروختگان را در تمام بخشها و ارگانهای ادارات مستعمراتی با دادن پول گزاف در خدمت امیال امپریالیستی خود قرار می دهند. با تلاشهای گسترده امپریالیستی و با کمک حامیان داخلی و خارجی خود شروع به تبلیغات از دموکراسی، آزادی بیان، تساوی حقوق مرد و زن، وکلای منتخب مردم در پارلمان و رفتن پای صندوق های رأی و انتخاب رئیس دولت، و..... همه این مسایل در کشوری صورت می گیرد که این کشور

تحت اشغال است، آزادی و استقلال ندارد. کشوریست که متجاوزان قادر شده اند سرنوشت خلق جنگدیده و به خاک و خون کشیده ما را آنطور که خود پلان دارند، رقم بزنند. در چنین شرایطی خواست مردم مطرح نیست و جزئی ترین ارزشی به آن قابل نیستند حتی در تمام کشور های امپریالیستی تمام فیصله های سیاسی و اقتصادی عقب در های بسته صورت می گیرد و اوامر به وزارتخانه ها صادر می گردد که باید عملی شود. در حالی که در کشور های به اصطلاح متمدن که داد از دموکراسی و آزادی و ... می زنند، جزئی ترین ارزشی به خواست و اراده خلقهای کشور های خود قابل نیستند، پس در یک کشور اشغال شده مانند افغانستان شادی بازیهای انتخاباتی چه مفهوم می تواند داشته باشد، به جز فریب خلقها و غافل نگه داشتن آنها از درک و فهم واقعیتها؟

پس نتایج رویداد های تاریخ زیادتر از سه دهه کشور ما طور یست که مثتی از خائنان، و وطنفروشان و قاتلان خلق ما به زر و زور بداران خود می خواهند به اصطلاح حاکمیت خود را بر خلق افغانستان حفظ و تحمیل نمایند، نه اراده خلق است و نه آزادی رأی در انتخابات می تواند کدام مفهومی داشته باشد. در شرایطی که مردم دچار قحطی و گرسنگی و بیماری و بی دوائی و بی پناهگاه هستند و از زمین و آسمان مورد تاخت و تاز و قتل و قتل راکتها و بم های امپریالیستها قرار می گیرند و مردمی که برای به دست آوردن بخور و نمیر خود شب و روز سرگردان هستند، این جنایتکاران در صدد اند آنها را به صد ها چال و نیرنگ عقب نخود سیاه بفرستند .

در کشوری که رئیس به اصطلاح دولت آن بدون اراده و تصامیم استعمار گران حتی اجازه رفتن به تشناب را ندارد چه رسد به این که مردم صلاحیت انتخاب رئیس دولت خود را داشته باشند. رئیس دولتی که قبلاً تعیین و انتخاب شده ولی با بی شرمی در صدد اند مردم را با فریب دموکراسی، آزادی و حق رأی به طرف صندوق های رأی بکشاند تا به یکی از جاسوسان و وطنفروشان رأی بدهند. تابه زعم خود شان به قانونی بودن انتخابات و آنهم در یک کشور اشغال شده حقانیت ببخشند.

طوریکه ما شاهد هستیم افغانهای نا آگاه که به خاطر ختم دوران سیاه طالب هنوز هم با خوشبینی نسبت به همه مسایل کشور برخورد می کنند که می توان مثال برجسته آن را در کشاندن مردم به پای صندوقهای رأی و شور و غوغا و جارو جنجال های انتخابات کذائی که فضا را پر نموده ، دید . پس کسانی که فکر می کنند که پروسه انتخابات یک قدم مثبت جهت آگاهی و درک مردم از حقوق حقه شان است، این خیال واهی است. چنین کسانی مطمئن باشند ، موقعی که امپریالیسم نتواند امیال استعماری خود را در کشور ما حفظ و اعمال کند، آنموقع امپریالیسم قادر می شود که افغانستان را با خلق آن و تمام دارو داران آن که (دموکراسی، آزادی حق رأی به انتخابات و.....) است به قرون وسطا سوق دهد. پس در چنین شرایطی وظیفه همه قلم به دستان آزاده و انسانهای صادق است تا مواضع روشن علیه اشغال کشور، علیه وطنفروشان، خائنان و انقیاد طلبان اخذ نموده در راه آگاهی خلقها و ارمانهای والای ستمکشان و به اسارت کشیدگان خلق خود در حد توان از هیچ نوع روشنگری دریغ نوززند. چون آگاهی و آزادی فکری انسان هرگز خواست غارتگران نیست. خواست غارتگران فقط آزادی بازار ، برآورده ساختن امیال و منافع آنها است و بس.

موضوع بسیار مهمی که بر شخص خودم به حیث یک زن مطرح است، احساس ادای دین از جانب شما به جنس زن است. شما ثابت ساختید که زنها هنگام مصیبت پیشتر از صد مرد، شجاعانه تر عمل نموده و می نمایند و کمترین اهانت و یا تحقیری را نسبت به زن نمی خواهید شاهد باشید، احساس و بر خورد شما قابل ستایش است . متأسفانه کمتر دیده می شود مرد هائی که از همچو دید و موقفی برخوردار باشند.

"دموکراسی فقط در دامن دولت های ملی و مردمی زاده می شود و به وسیله همین گونه دولت ها رشد و پرورش می یابد"